

## بررسی تأثیر ارزهای دیجیتال بر صادرات غیرنفتی با نقش تعدیلگری تحریم‌های بین‌المللی (مورد مطالعه: صنعت نساجی)

۱، امیر رحمانی<sup>۲</sup> سعیده باباجانی محمدی

۱- کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی، مؤسسه آموزش عالی فردوس، مشهد، ایران

۲- استادیار گروه مدیریت، مؤسسه آموزش عالی فردوس، مشهد، ایران

### چکیده

در این تحقیق به بحث کلی پیرامون ارزهای دیجیتال و صادرات غیرنفتی (صنایع نساجی) با در نظر گرفتن نقش تعدیلگری تحریم‌های بین‌المللی پرداخته شد. نوع تحقیق کاربردی و روش انجام آن توصیفی پیمایشی بوده و جامعه آماری شامل مدیران صنایع نساجی کشور را شامل گردید. شیوه نمونه‌گیری تحقیق از نوع نمونه‌گیری تصادفی در دسترس و برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران که برابر ۳۶۷ نفر گردیده است. برای آزمون فرضیه‌های اول و دوم تحقیق از آزمون ضریب همبستگی استفاده شد و وجود رابطه مستقیم ارزهای دیجیتال بر افزایش صادرات غیرنفتی (صنایع نساجی) و نیز رابطه مستقیم ارزهای دیجیتال بر کاهش تأثیر تحریم‌های بین‌المللی تأیید گردید. در فرضیه سوم مشخص شد که ۳۴،۵ درصد از میزان قابلیت ارزهای دیجیتال و صادرات غیرنفتی (صنایع نساجی) تحت تأثیر نقش تعدیلگری تحریم‌های بین‌المللی بوده و ۱۸،۶ درصد از میزان صادرات غیرنفتی (صنایع نساجی) تحت تأثیر قابلیت ارزهای دیجیتال بوده است. لذا در این تحقیق پیشنهادهایی نظیر رفع چالش‌های فقهی و مشکلات امنیتی و تصویب قوانین حمایت از ارزهای دیجیتال توسط دولت و نهادهای حکومتی و نیز گسترش برنامه‌های مد مبتنی بر فرهنگ اسلامی و ایرانی و... مطرح گردید.

**کلمات کلیدی:** ارزهای دیجیتال، صادرات غیرنفتی، صنایع نساجی، تحریم‌های بین‌المللی

### ۱. مقدمه

در جهان امروز، اقتصاد با اشکال جدید و نوظهور مواجه گردیده، که ناشی از تلاقی پدیده‌های فناوری، اقتصادی و فرهنگی اجتماعی است که در حال حاضر در حال تغییر شکل متعارف مبادلات تجاری هستند، که یکی از مهم‌ترین آنها فناوری بلاکچین است (ارتز و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰). پول یا ارز دیجیتال<sup>۲</sup> نوعی از ارز موجود است که ویژگی مشابه با ارز فیزیکی (اسکناس و سکه) را نشان داده و می‌تواند اجازه معاملات فوری و واگذاری مالکیت مجدد را بدهد. این ارز ممکن است برای خرید کالاها و خدمات مورد استفاده قرار گیرد و یا محدود به محیطی خاص (بازی آنلاین و...) باشد (فینلی<sup>۳</sup>، ۲۰۱۸). در حال حاضر واحد پول رمزنگاری توجه بسیاری از سرمایه‌گذاران، کارآفرینان، قانون‌گذاران و عموم مردم را جلب نموده است. ادعاهایی مبنی بر اینکه بازار ارزهای دیجیتال یک حساب بدون ارزش اساسی بوده و همچنین پیرامون فرار از نظارت قانونی مباحثی است که موجب تغییر و نوسان در قیمت آنها شده و درخواست برای تنظیم قوانین نظارتی بر این

<sup>۱</sup> Ertz, Hallegatte & Bousquet

<sup>۲</sup> Crypto currency

<sup>۳</sup> Finley

ارزها را افزایش داده است (گیودچی و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰). ارزهای مجازی، نظام پولی و بانکی و فلسفه وجودی آنها را به چالش کشیده‌اند. این ارزها از پیدایش سیستم مالی جدید حکایت دارند که در آن پول و کنترل گردش آن از بانک‌های مرکزی و دولت‌ها سلب شده و در دستان خود مردم قرار می‌گیرد. این چالش‌ها تنها به نظام پولی و بانکی محدود نگردیده و دامنه آن به حدی گسترده است که حوزه‌های دیگر جامعه و علوم مانند حقوق، فقه، اقتصاد و سیاست را نیز متأثر ساخته و خیل وسیعی از پرسش‌ها و ابهامات خرد و کلان را پیش روی آنها قرار داده است (محمودی، ۱۳۹۸).

در این میان یکی از استراتژی‌های رایج و ساده شرکت‌ها به منظور جهانی‌شدن، صادرات است. اغلب کشورها با گسترش حجم تولیدات و تنوع بخشی به صادرات خود، خواهان بهبود تراز تجاری و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید بوده و همزمان، به انتقال فناوری و آثار مثبت تجارت بین‌الملل اندیشیده‌اند (استوین و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱). تجارت بین‌الملل نقش مهمی در ساختار اقتصادی کشورها دارد، که در کشور ایران، تجارت خارجی با صادرات نفت پیوند خورده است، به طوری که مشکلات ناشی از اقتصاد تک‌محصولی و اتکای بیش از حد به درآمدهای نفتی موجب شده تا اقتصاد کشور به شدت تحت تأثیر عوامل موثر بر درآمدهای نفتی قرار گیرد و لذا یکی از مهم‌ترین راهکارهای توسعه اقتصادی کشور، افزایش صادرات غیرنفتی است (علیقلی و برادران، ۱۳۹۸). بنابراین، برنامه‌ریزی جهت تولید و صادرات کالاهای جدید، متنوع، با ارزش افزوده بالا و نیز ابداع شیوه‌های نوین برای تولید کالاهای سنتی خواهد توانست به کسب مزیت نسبی کشورهای صادرکننده نفت در بازارهای جهانی کمک نماید (شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۶) و با ایجاد موقعیت انحصاری برای آنها، از اثرات مخرب وابستگی به تولید و صادرات نفت بر اقتصاد جلوگیری و نسل‌های بیشتری را از این موهبت برخوردار گرداند. بر این اساس، توسعه صادرات غیرنفتی یکی از مهم‌ترین راهبردهای پیش روی کشورهای نفتی جهت نیل به توسعه متوازن به شمار رفته است (خوش‌طینت و همکاران، ۱۳۹۹).

از سوی دیگر یکی از فرایندهایی که بر اقتصاد ایران تأثیر داشته، مفهوم تحریم‌ها بوده است. تحریم‌های بین‌المللی به عنوان ابزاری در جهت اعمال فشار بر کشورها از سوی جامعه جهانی مطرح گردیده که این فشارها با هدف تغییر و تعدیل سیاست و منش کشورهای هدف صورت گرفته و اغلب نه تنها سیاست دولت‌های مورد تحریم تغییر پیدا نکرده، بلکه فشار اصلی تحریم‌ها در بسیاری از موارد باعث افزایش رنج و آلام مردم شده است (جعفری هرندی، ۱۳۹۷). تحریم‌ها، محدودیت‌هایی در ارتباط با دنیای خارج ایجاد کرده است. این محدودیت‌ها دسترسی به منابع ارزی برای کشور هدف تحریم را کاهش داده و همچنین، هزینه واردات را برای کشور هدف تحریم افزایش داده است. بر این اساس، تحریم‌ها منجر به کاهش ارزش پول کشور هدف شده و نرخ ارز در کشور هدف را افزوده است (باتزوف<sup>۳</sup>، ۲۰۱۶). مورگان رایت<sup>۴</sup> (۲۰۱۸) معتقد است یکی از شیوه‌های در حال توسعه ایران برای جلوگیری از تحریم‌ها، ایجاد ارز دیجیتالی بومی است؛ از آنجا که این ارزهای دیجیتال تحت کنترل آمریکا قرار ندارد، کشور ایران می‌تواند پول دریافت و پرداخت کند و بر محدودیت‌های اعمال‌شده روی بانک‌های سنتی خود غلبه کند.

تحریم‌ها، به دلیل ایجاد انحراف در روند طبیعی مبادلات اقتصادی بین‌المللی، نه تنها سب کاهش تجارت بین کشورهای هدف و اعمال‌کننده تحریم شده، بلکه بر سایر کشورها از لحاظ روابط تجاری و اقتصادی و شدت نیاز به کالاهای استراتژیک هم اثرگذار بوده است (لاموت<sup>۵</sup>، ۲۰۱۲). با توجه به ریسک‌های موجود در مبادلات تجاری، موانع موجود در تجارت و تحریم‌های تجاری که در حال حاضر مانع از عملکرد مناسب شرکت‌ها و بهبود مبادلات تجاری شده‌اند، بکارگیری

<sup>۱</sup> Giudici, Milne & Vinogradov

<sup>۲</sup> Stoian, Rialp, A., & Rialp, J

<sup>۳</sup> Butuzov

<sup>۴</sup> Morgan Wright

<sup>۵</sup> Lamotte

اقداماتی برای مدیریت نااطمینانی ضرورت می‌یابد. شرکت‌های صادراتی برای فائق آمدن بر تحریم‌ها با مشکلات زیادی مواجه بوده‌اند. از این رو، می‌توان به محیط پیچیده‌ای اشاره کرد که به دلایل مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... ریسک زیادی به همراه داشته و برای تداوم کسب‌وکار و افزایش عملکرد شرکت‌ها در مبادلات تجاری و رویارویی با ریسک‌های راهکارهای مناسبی پیدا کرد (مختاری و همکاران، ۱۳۹۹)؛ که به نظر می‌رسد ارزهای دیجیتال بتواند در کاهش ریسک‌های صادرات ایران تأثیرگذار باشد. تجزیه و تحلیل اقدامات قانونی نظارتی، که در حال حاضر در حال ظهور است، و تغییر در نگرش محدودیت کاربرد ارزهای رمزپایه برای تنظیم اهداف و فرایندهای اقتصاد دولت (مالیات و هزینه‌ها، تنظیم و کنترل ارز، افزایش درآمد و...) را نشان داده است (شوخالوف و ادریسوف، ۲۰۲۱).

در این حوزه و رابطه میان ارزهای دیجیتال، اقتصاد و تحریم‌های بین‌المللی تا کنون تحقیقات گوناگون انجام شده است. در تحقیقات داخلی **بابازاده و همکاران (۱۴۰۰)** ضمن بیان ماهیت ارزهای دیجیتال نتیجه گرفتند که در مجموع شش شاخص قانون‌گذاری مقررات رمزارزها، ایجاد زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، ایجاد رمزارزهای ملی، ترویج استفاده از رمزارز و حمایت از استخراج رمزارزها را جهت مقابله با تحریم‌های مالی و بانکی شناسایی و اولویت‌بندی نمودند. **ارغوانی و همکاران (۱۳۹۸)** ضمن بررسی اقتصاد سیاسی و جهانی‌شدن و ارزهای مجازی و تأثیر آنها بر حکمرانی اقتصادی دولت‌ها نتیجه گرفتند که حکمرانی اقتصادی دولت‌ها بسته به نوع سیاستی که در قبال ارزهای مجازی اتخاذ می‌کنند (همراهی، ممنوعیت یا عدم سیاست‌گذاری) می‌تواند با شدت و ضعف همراه باشد. **محمدی سمچولی (۱۳۹۸)** ضمن بیان ماهیت اصلی پول مجازی و فرایند استخراج نشان دادند که سرمایه‌گذاری در این بخش می‌تواند منجر به نوعی صادرات غیرنفتی شده و به یک پاسخ، هر چند موقت، برای مشکل تحریم‌های ارزی ایران ارایه نمود. **مسلمی (۱۳۹۷)** با مروری بر بیش از ۱۵ مقاله مرتبط با موضوع، نتیجه گرفته است که تعداد ارزهای دیجیتال در دنیا در حال افزایش بوده و پتانسیل زیادی برای رشد دارند، به ویژه در کشورهایی که در رابطه با مبادلات ارزی و دادوستد بین‌المللی مورد تحریم می‌باشند. **فرقان دوست حقیقی و نداف (۱۳۹۷)** با مرور بیش از ۱۹ مقاله داخلی و خارجی و دسته‌بندی فرصت‌ها و تهدیدها، نتیجه گرفته‌اند که تعداد پول‌های مجازی در دنیای واقعی، در حال افزایش بوده و فرصت‌ها و تهدیدهایی که استفاده از ارزهای مجازی در کشور خواهد داشت، بررسی شده است.

همچنین در تحقیقات خارجی **خیریازیس<sup>۱</sup> (۲۰۲۱)** با تحلیل اقتصادسنجی از طریق ارزیابی نامتقارن ساده و مشخصات غیرخطی که بازارهای ارزهای دیجیتال و دوره‌های بی‌ثبات تا به امروز را پوشش می‌دهد، نشان داد که ارزهای دیجیتال به شدت با عدم قطعیت سیاست اقتصادی در ارتباط است. همچنین رمزارزها می‌توانند برای متنوع‌سازی دارایی‌های سنتی در دوره‌های تحت فشار، با مزیت اینکه تحت تأثیر اخبار عدم اطمینان سیاست اقتصادی قرار نگیرند، گسترش یابند. **رسولی قهرودی و چونگ<sup>۲</sup> (۲۰۲۰)** ضمن بیان عوامل تعیین‌کننده کلان اقتصادی (زیرساخت‌ها، نرخ ارز، نرخ تورم، بازده سرمایه‌گذاری و حاکمیت) و تأثیر تحریم‌ها بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران نتیجه گرفتند که تحریم‌ها نقش تعدیلگری قابل توجهی در رابطه بین عوامل اقتصاد کلان و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نداشته و لذا تأثیر قابل توجهی در رشد اقتصادی ایران در سال‌های اخیر داشته است. **گیودچی و همکاران (۲۰۲۰)** با استفاده از تئوری‌های نئوکلاسیک و رفتاری نشان دادند که ارزهای رمزپایه ممکن است برخی از کارکردهای مفید را انجام داده و به ارزش اقتصادی بیفزایند، اما دلایلی برای حمایت از تنظیم بازار وجود دارد. اگرچه این مخالف منطق اصلی آزادیخواهانه در پشت ارزهای رمزپردازی است، اما به نظر می‌رسد یک اقدام ضروری برای بهبود رفاه اجتماعی است. **اریتز و بویلی<sup>۴</sup> (۲۰۱۹)** به بررسی نحوه تداخل

<sup>۱</sup> Shovkhalov & Idrisov

<sup>۲</sup> Kyriazis

<sup>۳</sup> Rasouli Ghahroudi & Chong

<sup>۴</sup> Ertz & Boily

اقتصاد و صادرات با فناوری زنجیره بلوکی و بیان داشتند فعالیت‌های کسب و کار مستعد یکپارچه‌سازی جدیدترین پیشرفت فناوری از جمله تجزیه و تحلیل داده‌های بزرگ، ارزش افزوده، شبکه هوشمند و فناوری بلاک چین است.

تحقیقات انجام شده تنها به بخشی از موضوع تحقیق پرداخته و همزمانی دو پدیده ارزهای دیجیتال و تحریم‌های بین‌المللی را بر صادرات غیرنفتی در حوزه صنایع نساجی مورد مطالعه قرار نداده‌اند. آنچه مشخص است در چند سال گذشته ارزش ارزهای دیجیتالی در بازارهای جهانی از چند صدم دلار به چند هزار دلار افزایش یافته است. همچنین به دلیل عدم نظارت خاص همواره نوعی ریسک در سرمایه‌گذاری را به دنبال داشته و تحریم‌ها نیز در کنار این موضوع بر دامنه ریسک سرمایه‌گذاری کشورهای نظیر ایران افزوده است. لذا در کنار تمام چالش‌های ارزهای رمزنگاری شده، این ارزها می‌توانند با غلبه بر عدم اعتماد اجتماعی و با افزایش دسترسی به خدمات مالی سود قابل توجهی به دست آورند؛ چرا که می‌توان آنها را به عنوان واسطه‌ای برای حمایت از روند رشد در کشورهای در حال توسعه با افزایش گنجاندن مالی، سامان‌دهی بودجه و کمک به فرار از شرایط تحریم‌های اقتصادی در نظر گرفت. از سوی دیگر تبدیل منابع خام کشور به ارزهای دیجیتال، اشتغالزایی در سایه نگهداری از تجهیزات برقی و کولینگ سیستم، رشد چشمگیر استارت‌آپ‌های مبتنی بر بلاک چین و حتی رمزارزهای ایرانی، افزایش قدرت چانه‌زنی در سطح جهانی و... از فرصت‌هایی است که می‌توان برای گسترش استفاده از رمزارزها در کشور ایران با توجه به شرایط اقتصادی و تحریم‌های بین‌المللی متصور بود. حال این پرسش پیش می‌آید در کنار تمام فرصت‌ها و تهدیدهای ارزهای دیجیتالی آیا این فرایند می‌تواند در شرایط تحریم کنونی، به اقتصاد ایران و افزایش صادرات، به ویژه صادرات غیرنفتی، آن کمک نماید؟ لذا مقاله حاضر قصد دارد با بررسی تأثیر ارزهای دیجیتال بر صادرات غیرنفتی با نقش تعدیلگری تحریم‌های بین‌المللی به نقش آنها در کمک به صادرات محصولات و فروش بین‌المللی کالا و خدمات ایرانی در حوزه صنعت نساجی، بپردازد.

## ۲. ادبیات تحقیق

### ۱.۲. صنعت نساجی

صنعت نساجی یکی از بزرگ‌ترین بخش‌های صنعتی در جهان است و چالش‌های پیش روی صنعت از نظر تأمین رشد پایدار بسیار گسترده بوده و برای حفظ سطح عملکرد و توسعه که در چند وقت اخیر دیده می‌شود، نیاز به راهکارهای جهانی است. از آنجا که افزایش جمعیت و استفاده بیشتر از این‌گونه محصولات در کاربردهای فنی و صنعتی منجر به رشد چشمگیر تقاضا برای منسوجات شده است، توسعه طراحی، فرایندها و مواد ابتکاری از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است (آتکار و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۲۱). در ایران نساجی جزء صنایعی محسوب می‌شود که از سابقه زیادی برخوردار بوده است. با وجود اینکه صنعت نساجی کشور از نظر اشتغالزایی پس از صنعت نفت قرار دارد، ولی همچنان با مشکلاتی بسیاری نظیر بهره بانکی، قاچاق کالا، عوارض سنگین، واردات بی‌رویه، کمبود نقدینگی و نحوه اجرای قانون نوسازی صنایع مواجه است (شکوهی و مروتی، ۱۳۹۳).

### قوت‌ها و فرصت‌های صنعت نساجی ایران

کشف ابزارهای خیاطی و تولید پارچه در منطقه ابریشم یکی از مهم‌ترین شواهد تاریخی صنعت نساجی ایران است. صنعت نساجی به دلیل داشتن مزیت‌های ویژه در صادرات، ایجاد فرصت‌های شغلی، ورود ارز و... نقش موثری در اقتصاد کنونی ایران دارد (امیری آق‌دایی و سیدی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲). ارزش بازار و حجم مبادلات در سطح جهان و ارزش افزوده ایجاد شده در تولید، سابقه دیرین نساجی و پوشاک در ایران، وجود بازارهای بزرگ داخلی و منطقه‌ای، پائین بودن هزینه ایجاد اشتغال، نیاز به سطح کمتر مهارت کارکنان، وجود منابع غنی نفت و گاز به منظور تولید مواد اولیه، تأثیرهای فرهنگی قابل

<sup>۱</sup> Atkar, Pabba & Chandra

<sup>۲</sup> Amiri Aghdaie & Seidi

ملاحظه، عدم وابستگی فرایند تولید به موقعیت جغرافیایی و نداشتن مشکلات زیست‌محیطی برجسته و... باعث جذابیت تحلیل و لزوم توجه به این صنعت مهم شده است (میراب‌آستانه و همکاران، ۱۳۹۸).

در این میان از شاخص‌ترین قوت‌های موجود در صنایع نساجی ایران، می‌توان به مواردی همچون داشتن سابقه تاریخی و هنری و تخصص بالا در تولید منسوجات، اشتغال کم‌هزینه، وجود مراکز دانشگاهی مربوط به منسوجات، وجود نیروی کار ماهر (نگوین و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۵)؛ ظرفیت بالای تولید مواد اولیه صنعت نساجی و تعداد زیاد واحد تولیدی (کرمی و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷) اشاره نمود. از سوی دیگر فرصت‌های ارزشمندی را می‌توان برای صنعت نساجی ایران متصور بود که می‌توان به نیروی کار ارزان در مقایسه با سایر کشورها، که یکی از بهترین فرصت‌ها برای سرمایه‌گذاران خارجی برای ورود سرمایه در صنعت نساجی ایران است (حسن‌پور<sup>۳</sup>، ۲۰۱۹)؛ امکان صادرات کلیه کالاهای نساجی به کشورهای همسایه، امکان صادرات و دسترسی به زمین در کمترین زمان ممکن، داشتن بازار مصرف داخلی قابل توجه، به دلیل جوان بودن هرم جمعیتی و امکان رشد سریع صنعتی (لوپز و رابرتسون<sup>۴</sup>، ۲۰۱۶) اشاره داشت.

### چالش‌ها و تهدیدهای صنعت نساجی ایران

صنعت نساجی سه درصد ارزش افزوده صنعتی و در حدود دوازده درصد از اشتغال صنعتی کشور را به خود اختصاص داده است. نقش اقتصادی صنایع نساجی در اقتصاد به لحاظ ارزآوری، ایجاد اشتغال، جلوگیری از خروج ارز از کشور و ایجاد ارزش‌افزوده موجب شده تا این صنعت در زمره صنایع مهم کشورهای مختلف به ویژه کشورهای در حال توسعه قرار گیرد (حسن‌نژاد و ملکی، ۱۳۹۴). در حال حاضر ایران یکی از کشورهای برتر در صنعت نساجی نبوده و توسعه چندان نیافته است. یکی از مهم‌ترین دلایل توسعه‌نیافتگی صنعت نساجی ایران فقدان برنامه‌ها و استراتژی‌های مناسب است. برنامه‌ها و اقدامات انجام شده در این صنعت مطابق با نیازهای بازار جهانی نیست. واردات زیاد لباس و پارچه به ایران و نیز گرانی مواد اولیه دلایل مهم دیگر عدم توسعه صنعت نساجی کشور بوده و ایران را به یکی از بزرگ‌ترین واردکنندگان پارچه و لباس در جهان تبدیل کرده است (قاسمی<sup>۵</sup>، ۲۰۲۰).

بنابراین از مهم‌ترین چالش‌های موجود در صنعت نساجی، که صنایع نساجی ایران نیز درگیر آن می‌باشد، می‌توان به مواردی همچون هزینه‌های بالای تولید محصولات صنعت نساجی، شبکه توزیع بسیار سنتی، ناکارآمدی و غیرسازمان‌یافته، محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی در طراحی محصول، عدم حمایت از برندهای داخلی و تولیدکنندگان پارچه و لباس و تغییر در سیاست‌های دولت (آمان‌کواه-آموه<sup>۶</sup>، ۲۰۱۵)؛ استفاده از ماشین‌آلات قدیمی و فرسوده در بسیاری از کارخانه‌های نساجی، عدم طراحی محصول متناسب با تقاضای بازار، عدم استراتژی و اقدامات مناسب (اسمیت<sup>۷</sup>، ۲۰۱۵)؛ افزایش واردات بی‌رویه، کاهش تمایل مشتریان داخلی به محصولات نساجی تولید داخلی، کاهش صادرات، نوآوری و تنوع محصولات (کرمی و همکاران، ۲۰۱۷) اشاره داشت. همچنین مهم‌ترین تهدیدهای ممکن برای سرمایه‌گذاری در صنعت نساجی ایران را می‌توان در مفاهیمی مانند سطح پائین تولید پنبه، محدودیت دسترسی به بازارهای صادراتی به دلیل تحریم‌های بین‌المللی، مجازات نکردن تأمین‌کنندگان محصولات قاچاق و وجود رقابتی قدرتمند بین‌المللی جستجو نمود (قدسی و همکاران<sup>۸</sup>، ۲۰۱۸).

<sup>۱</sup> Nguyen, Beeton & Halog

<sup>۲</sup> Karami, Olfat & Dubinsky

<sup>۳</sup> Hassanpour

<sup>۴</sup> Lopez & Robertson

<sup>۵</sup> Ghasemi

<sup>۶</sup> Amankwah-Amoah

<sup>۷</sup> Smith

<sup>۸</sup> Ghodsi, Astro, Grieveson & Stehrer



## ۲.۲. ارزشهای دیجیتال و صادرات غیرنفتی

مشکل ارز سنتی این است که بانکهای مرکزی می‌توانند فراتر از نیاز و پشتوانه پول چاپ کرده و در صورت بحران اقتصادی، پول جدید چاپ کرده و آن را به بازار تزریق کنند که این فرایند باعث تورم می‌شود. تورم به سختی قابل کنترل بوده و ممکن است کاهش قدرت خرید مردم را به دنبال داشته باشد. ارزشهای دیجیتال طوری طراحی شده‌اند که تنها تعداد مشخصی استخراج خواهند شد؛ یعنی پس از رسیدن به این تعداد، تعداد آنها افزایش نخواهد یافت و بنابراین، تورم نمی‌تواند ارزش ارزشهای دیجیتال را دستخوش تغییر نماید و از ارزش آنها بکاهد (مسلمی، ۱۳۹۷). از سوی دیگر با اینکه فناوری ارزشهای دیجیتال بسیاری از مشاغل را حذف می‌کند، اما باعث ایجاد کسب‌وکارهای جدیدی شده که با ارزشهای دیجیتال خدماتی را ارائه می‌دهند. برای مثال می‌توان سرویس‌های ارائه کیف پول، زبان برنامه‌نویسی جدید، صرافی‌ها، سیستم‌های خرید بلیط، سیستم‌های پرداخت خودکار و... را نام برد (دولت‌شاهی، ۱۳۹۶).

همچنین وقتی پول مردم تحت نظارت متمرکز نباشد، پس اختیارات بیشتری را خواهند داشت و با آگاه شدن تدریجی مردم، جنبه‌های مثبت آن بیشتر خواهد بود. بنابراین این ارزشهای دیجیتال نیستند که مجبورند با سازمان‌های مرکزی سازگار شوند، بلکه این سازمان‌ها هستند که باید خود را با ارزشهای دیجیتال هماهنگ کنند (غضنفری و کیان‌فر، ۱۳۹۶). لذا ویژگی‌های مقاوم بودن در برابر تورم، ایجاد مشاغل و و تجارت مدرن و امکان ریشه‌کن کردن فقر در جامعه از مواردی است که می‌تواند تأثیرگذاری ارزشهای دیجیتال بر اقتصاد کشور و در نتیجه افزایش صادرات غیرنفتی را فراهم کند و این مهم ارتباط ارزشهای دیجیتال و صادرات را تأیید می‌کند؛ بنابراین می‌توان فرضیه زیر را مطرح کرد که:

ارزشهای دیجیتال بر افزایش صادرات غیرنفتی (صنعت نساجی) تأثیر معناداری دارد.

ارزشهای دیجیتال بر افزایش صادرات غیرنفتی (صنعت نساجی) تأثیر معناداری ندارد.

## ۳.۲. ارزشهای دیجیتال و تحریم‌های بین‌المللی

در سال‌های اخیر، تحریم‌های بین‌المللی باعث محدودیت تبادلات مالی و بانکی در سیستم‌های مالی بین‌المللی شده است که موجب عدم بازگشت درآمدهای ارزی به کشور گردیده است. در شرایط تحریم، صادرات و برگشت دادن درآمد حاصل از آن به داخل و تأمین بودجه کشور مهم‌ترین اولویت کشور در عرصه تجارت بین‌الملل محسوب می‌شود و استفاده از رمزارزها می‌تواند بستر مناسبی برای عبور از تحریم‌های مالی و بانکی باشد (بابازاده و همکاران، ۱۴۰۰). ویژگی غیرمتمرکز بودن رمزارزها لزوم وجود سیستم‌های کنترلی متمرکز مانند سوئیفت را از بین می‌برد. در این سیستم در عین حال که تراکنش‌ها با امنیت بالا اتفاق می‌افتد، هیچ اطلاعی در مورد افراد مبادله‌کننده و شی مبادله شده وجود ندارد (بست<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸). این ویژگی ناشناس بودن هویت طرف‌های مبادله‌کننده در رمزارزها امکان عدم شناسایی توسط شخص ثالث را فراهم نموده و امکان مقابله با تحریم‌های مالی که از طریق شناسایی تراکنش‌ها انجام می‌شود، را فراهم آورده است (سوان<sup>۲</sup>، ۲۰۱۸).

تحریم‌های بین‌المللی اعمال شده بر ایران، که هدف عمده آن بخش انرژی (کاهش فروش نفت) و عدم توانایی برای اتصال به سیستم‌های مالی برای تبادلات مالی با سایر کشورها می‌باشد، کسب‌وکارهای مرتبط با حوزه نفت و حوزه بانکی و مالی که دارای مبادلات بین‌المللی بوده‌اند، را تحت تأثیر خود قرار داده و بر اقتصاد ایران تأثیر منفی داشته است (زمانی و همکاران، ). لیک باید توجه داشت که فناوری‌های مبتنی اینترنت به طور گسترده در سراسر دنیا مورد استقبال قرار گرفته‌اند تا شرکت‌ها عملکرد خود را بهبود بخشند؛ یکی از این تحولات اساسی رمزارزها هستند، ابزارهای جدیدی که تحول شگرفی در ابزارهای کسب و کار مجازی و تجارت الکترونیک ایجاد نموده و ویژگی‌های غیرمتمرکز بودن و ناشناس

<sup>۱</sup> Best

<sup>۲</sup> Swan

بودن هویت طرف‌های مبادله‌کننده در رمزارزها، امکان استفاده از آنها را برای مقابله با تحریم‌های مالی و بانکی به وجود آورده است (هزلت و لوتر<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰). لذا مفاهیمی مانند بهبود عملکرد شرکت‌ها و سازمان‌ها در صادرات غیرنفتی و غیرمتمرکز بودن رمزارزها می‌تواند در کاهش اثرات تحریم‌های بین‌المللی بر اقتصاد ایران اثرگذار باشد؛ بنابراین می‌توان فرضیه زیر را مطرح کرد که:

ارزهای دیجیتال بر کاهش تأثیر تحریم‌های اقتصادی تأثیر معناداری دارد.

ارزهای دیجیتال بر کاهش تأثیر تحریم‌های اقتصادی تأثیر معناداری ندارد.

#### ۴.۲. تحریم‌های بین‌المللی و صادرات غیرنفتی

در ارتباط با موفقیت تحریم اقتصادی در دستیابی به اهداف خود شرایطی همچون هزینه تحریم بیش از بیش از دو درصد تولید ناخالص ملی برای اقتصاد کشور، نسبت حداقل ده برابر تولید ناخالص تحریم‌کننده به تحریم شده، امکان تسلط بر بیش از ۲۵ درصد کل تجارت کشور هدف، همکاری سایر کشورهای تجاری کشور هدف و پائین بودن هزینه تحمیل تحریم‌ها برای کشور تحمیل‌کننده باید مهیا باشد (فدائی و درخشان، ۱۳۹۴). تحریم‌های اقتصادی دارای مصادیق گوناگون و شامل وضع تعرفه‌ها، ایجاد موانع تجاری، محدودیت و یا سهمیه‌بندی واردات و یا صادرات است، لذا آنچه که اثرپذیری اقتصادی تحریم‌ها را تعیین می‌کند به اهداف تحریم، شرکای تجاری کشور تحریم شونده، هزینه‌های اجرایی تحریم، رابطه تجاری تحریم‌شونده و تحریم‌کننده پیش از تحریم، همراه کردن سایر کشورها از سوی تحریم‌کننده و در نهایت فهرست کالاهای مشمول تحریم است. بنابراین تحریم‌ها می‌توانند کاهش تجارت بین‌المللی، کاهش سرمایه‌گذاری در کشور تحریم شده، عدم انعطاف‌پذیری در ساختار و ترجیح مصرف و تولید و در نتیجه کاهش انعطاف‌پذیری بازار کار را به همراه داشته باشد (بون<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵).

در این میان صادرات در هر کشور از مهم‌ترین منابع عرضه ارز به‌شمار می‌رود. اگر صادرات کالاها و خدمات یکی از حوزه‌های تحریم اقتصادی باشد آنگاه انتظار بر آن است که منابع ارزی که خود از الزامات واردات هستند با خلل روبرو شود. تحریم صادرات زمانی که که تنوع‌پذیری صادراتی در کشور هدف پایین باشد، می‌تواند بسیار مخاطره‌آمیز باشد (گرشاسبی و یوسفی دیندارلو، ۱۳۹۵). از سوی دیگر بین‌المللی بودن ارزهای دیجیتال باعث می‌شود که هر کس در هر جای دنیا بتواند تراکنش‌های خود را انجام دهد. امروزه بیشتر سایت‌های خرید آنلاین از پی‌پال یا ویزا کارت برای خرید استفاده می‌کنند. اما از آنجایی که این قابلیت‌ها در ایران و چند کشور تحریم شده قابل استفاده نیست یا برای استفاده نیاز به واسطه است، لذا ارزهای دیجیتال می‌تواند جایگزین شده و مرزهای تحریم را دچار چالش نماید (باقری‌سعید، ۱۳۹۶). لذا می‌توان گفت تحریم‌های بین‌المللی به دلیل ماهیت کاهش تولید ناخالص ملی، عدم و یا سختی در بازگشت ارز به داخل کشور و مخاطره‌آمیز بودن اقتصاد نفتی ایران می‌تواند بر رابطه میان ارزهای دیجیتال، که شاید یکی از راهکارهای کاهش اثرات تحریم‌های بین‌المللی باشد، نقش تعدیلگری را داشته باشد؛ بنابراین می‌توان فرضیه زیر را مطرح کرد که:

تحریم‌های بین‌المللی بر رابطه ارزهای دیجیتال و صادرات غیرنفتی (صنعت نساجی) نقش تعدیلگری دارد.

تحریم‌های بین‌المللی بر رابطه ارزهای دیجیتال و صادرات غیرنفتی (صنعت نساجی) نقش تعدیلگری ندارد.

#### ۳. روش تحقیق

یکی از مهم‌ترین مفاهیم در فرایند انجام پژوهش، انتخاب روش علمی مناسب می‌باشد تا بتوان بر مبنای آن به نتایج صحیح و درست علمی دست پیدا نمود. تحقیق حاضر از نوع تحقیق کاربردی و روش انجام آن توصیفی پیمایشی است؛ چرا که سایر صنایع مرتبط در صادرات می‌توانند از نتایج این تحقیق پیرامون مفاهیم افزایش صادرات غیرنفتی و کاهش تأثیر

<sup>۱</sup> Hazlett & Luther

<sup>۲</sup> Boon

تحریم‌های بین‌المللی استفاده نمایند. همچنین جامعه آماری شامل مدیران صنایع نساجی کشور می‌باشند، که بالغ بر ۷۹۰۰ نفر را شامل می‌گردد. به طور کلی شرکت‌های مرتبط با حوزه نساجی که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته شامل صنایع ریسندگی و بافندگی، پوشاک، طراحی و چاپ دیجیتال پارچه، رنگرزی پارچه، فرش و موکت، منسوجات خانگی (کلای خواب و پرده) و... بوده در سطح کارگاهی و کارخانه‌ای، که اطلاعات آن از سایت اتحادیه نساجی و پوشاک ایران<sup>۱</sup> استخراج شده است. با توجه به اینکه تعداد مدیران صنایع نساجی کشور بالغ بر ۷۹۰۰ نفر می‌باشد از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و از فرمول کوکران برای تعیین حجم جامعه آماری بهره‌گیری شده که برابر ۳۶۷ نفر گردیده است. جهت احتمال از عدم برگشت ۳۹۰ پرسشنامه توزیع شد. که در نهایت با بررسی پرسشنامه‌های بازگشت شده و کنار گذاشته شدن پرسشنامه‌های ناقص، ۳۳۷ پرسشنامه وارد مرحله تحلیل آماری گردید.

اعتبار و پایایی پرسشنامه مبتنی بر سئوالات تحقیق توسط نرم‌افزار اسپاس<sup>۲</sup> و ضریب آلفای کرونباخ مورد سنجش قرار گرفته است. در این راستا و پس از ورود اطلاعات و تعریف متغیرها در نرم‌افزار، پایایی این تحقیق از طریق ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده که برابر ۰,۷۱ شده است. در این تحقیق جهت تجزیه و تحلیل داده از شاخص آمار (میانگین، انحراف معیار و درصد تجمعی) جهت مفاهیم جنسیت، سابقه حضور در صنایع نساجی، سابقه مدیریت در صنایع نساجی، سابقه صادرات محصولات نساجی، میزان تحصیلات استفاده شد. همچنین آمار استنادی جهت تعیین نتایج و نیز تعیین تفاوت بین نظرات پاسخگویان و تجزیه و تحلیل داده‌ها و رتبه‌بندی عوامل مورد مطالعه از روابط رگرسیون خطی و... در نرم‌افزار اسپاس و تحلیل مسیر در نرم‌افزار اسمارت پی‌ال‌اس استفاده گردید.

#### ۴. نتایج تحقیق

##### ۱,۴. نتایج آمار توصیفی

در این تحقیق ۵۰,۱ درصد را زنان تشکیل داده و دارای بیشترین فراوانی بوده‌اند. ۳۱,۲ درصد را رده سنی ۳۵ تا ۴۵ سال تشکیل داده و دارای بیشترین فراوانی بوده‌اند. معادل ۴۳,۹ درصد سابقه ۱۰ تا ۱۵ سال حضور در صنایع نساجی داشته و دارای بیشترین فراوانی بوده‌اند. همچنین ۵۴ درصد سابقه مدیریت کمتر از ۳ سال در صنایع نساجی داشته و دارای بیشترین فراوانی بوده‌اند. ۶۵,۹ درصد با سابقه صادرات محصولات کمتر از ۵ سال در صنایع نساجی تشکیل داده و دارای بیشترین فراوانی بوده‌اند و ۴۴,۲ درصد تحصیلات کارشناسی تشکیل داده و دارای بیشترین فراوانی بوده‌اند.

آنچه از نتایج عمومی پرسشنامه برمی‌آید این است که زنان نقش پررنگ و مشخصی در صنعت نساجی در سطوح کارشناسی و مدیریتی این صنعت دیرینه در سطح جامعه آماری داشته‌اند، که می‌توان آن را به فال نیک گرفت؛ چرا که در دنیای رقابتی امروز استفاده از تمام ظرفیت‌های منابع انسانی جامعه برای رسیدن به مزیت رقابتی اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده و زنان یکی از سرمایه‌های با ارزش هر کشور به‌شمار رفته و مشارکت جدی آنها دلیلی برای رشد و ترقی کشورهای توسعه‌یافته عنوان می‌شود. از سوی دیگر هر چند صنعت نساجی سابقه دیرینه در کشور دارد، سابقه حضور افراد در این صنعت به سمت جوان‌گرایی و استفاده از ظرفیت نیروهای جوان و تحصیلکرده در این صنعت است و سابقه مدیریتی نیز این ادعا را می‌تواند ثابت نماید؛ لیک در این میان سابقه صادرات کمتر از ۵ سال نشان می‌دهد به احتمال زیاد این صنعت با چالش‌های فراوانی در صادرات روبرو است.

<sup>۱</sup> <http://www.itema.ir>

<sup>۲</sup> Sciences Statistical Package for the Social



### ۲.۴. آزمون فرضیه اول

H<sub>0</sub>: میان ارزشهای دیجیتال و افزایش صادرات غیرنفتی (صنایع نساجی) ارتباط معناداری وجود ندارد.

H<sub>1</sub>: میان ارزشهای دیجیتال و افزایش صادرات غیرنفتی (صنایع نساجی) ارتباط معناداری وجود دارد.

جدول ۱ بررسی مقدار همبستگی بین متغیرها

عنوان	ضریب همبستگی	سطح معناداری	تعداد
ارزشهای دیجیتال و صادرات غیرنفتی (صنایع نساجی)	۰,۱۰۶	۰,۰۲۸	۳۳۷

با مقایسه سطح معناداری به دست آمده در جدول ۱ با ضریب خطای ۰,۰۲۸ (کمتر از ۰,۰۵) می توان نتیجه گرفت که بین ارزشهای دیجیتال و صادرات غیرنفتی (صنایع نساجی) رابطه معناداری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی در بررسی ارتباط عبارتست از ۰,۱۰۶، که با توجه به مثبت بودن عدد ضریب همبستگی نشان از وجود رابطه مستقیم بوده و می توان گفت ارزشهای دیجیتال بر افزایش صادرات غیرنفتی (صنایع نساجی) تأثیر معناداری دارد.

### ۳.۴. آزمون فرضیه دوم

H<sub>0</sub>: میان ارزشهای دیجیتال و کاهش تأثیر تحریمهای بین المللی ارتباط معناداری وجود ندارد.

H<sub>1</sub>: میان ارزشهای دیجیتال و کاهش تأثیر تحریمهای بین المللی ارتباط معناداری وجود دارد.

جدول ۲ بررسی مقدار همبستگی بین متغیرها

عنوان	ضریب همبستگی	سطح معناداری	تعداد
ارزشهای دیجیتال و تحریمهای بین المللی	۰,۲۵۰	۰,۰۰۱	۳۳۷

با مقایسه سطح معناداری به دست آمده در جدول ۲ با ضریب خطای ۰,۰۰۱ (کمتر از ۰,۰۵) می توان نتیجه گرفت که بین ارزشهای دیجیتال و تحریمهای بین المللی رابطه معناداری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی در بررسی ارتباط عبارتست از ۰,۲۵۰، که با توجه به مثبت بودن عدد ضریب همبستگی نشان از وجود رابطه مستقیم بوده و می توان گفت ارزشهای دیجیتال بر افزایش تحریمهای بین المللی تأثیر معناداری دارد.

### ۴.۴. آزمون فرضیه سوم

H<sub>0</sub>: تحریمهای بین المللی بر رابطه ارزشهای دیجیتال و صادرات غیرنفتی نقش تعدیلگری ندارد.

H<sub>1</sub>: تحریمهای بین المللی بر رابطه ارزشهای دیجیتال و صادرات غیرنفتی نقش تعدیلگری دارد.

جدول ۳ نتایج آزمون ضریب مسیر و آزمون تی بین شاخصها

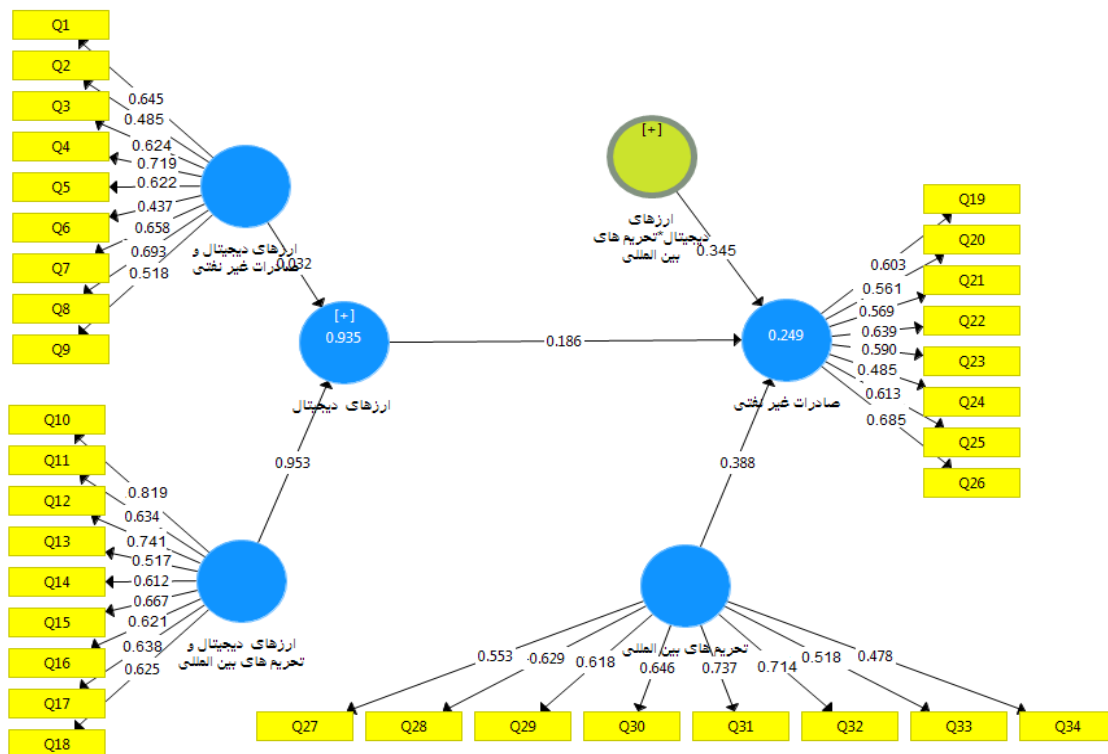
عنوان	ضریب مسیر	مقدار آماره تی	سطح معناداری	نتیجه
ارزشهای دیجیتال*تحریمهای بین المللی ← صادرات غیرنفتی (صنایع نساجی)	۰,۳۴۵	۲,۰۱۵	۰,۰۰۱	تأیید
ارزشهای دیجیتال ← تحریمهای بین المللی ← صادرات غیرنفتی (صنایع نساجی)	۰,۱۸۶	۲,۰۶۷	۰,۰۰۱	تأیید

با توجه به نتایج جدول ۳ می توان گفت از آنجایی که سطح معناداری کمتر از ۰,۰۵ و مقدار آماره تی بیشتر از ۱,۹۶ بوده است، بنابراین فرضیه H<sub>0</sub> رد گردیده، که نشان دهنده وجود ارتباط معنادار میان متغیرهای فوق می باشد. همچنین مقدار ضریب مسیر برابر ۰,۳۴۵ می باشد که بیانگر شدت ارتباط بوده و بیان دارد که ۳۴,۵ درصد از میزان قابلیت ارزشهای دیجیتال و صادرات غیرنفتی (صنایع نساجی) تحت تأثیر نقش تعدیلگری تحریمهای بین المللی بوده است. همچنین از آنجایی که سطح معناداری کمتر از ۰,۰۵ و مقدار آماره تی بیشتر از ۱,۹۶ بوده است، بنابراین فرضیه H<sub>0</sub> رد گردیده که نشان دهنده وجود ارتباط معنادار میان متغیرهای فوق می باشد. همچنین مقدار ضریب مسیر برابر ۰,۱۸۶ می باشد که بیانگر

شدت ارتباط بوده و بیان دارد که ۱۸,۶ درصد از میزان صادرات غیرنفتی (صنایع نساجی) تحت تأثیر قابلیت ارزیابی دیجیتال بوده است.

#### ۵,۴. آزمون ضریب مسیر عاملی و بار عاملی جهت تبیین مدل تحقیق

با توجه به شرایط غیرنرمال بودن و نیز بزرگ نبودن اندازه جامعه آماری از آزمون‌های ضریب مسیر و مقدار آماره  $t$  در محیط نرم افزار اسمارت پی ال اس بهره‌گیری شده است، تا به کمک آن بتوان مدل تحقیق را تبیین نمود. ضریب مسیر، بیان‌کننده وجود رابطه علی خطی، شدت و جهت این رابطه بین دو متغیر پنهان است. همچنین بار عاملی یا لامبدا در حقیقت یک ضریب همبستگی بین متغیرهای پنهان و آشکار در یک مدل اندازه‌گیری است. این ضریب تعیین می‌کند که متغیر پنهان چقدر از واریانس متغیرهای آشکار را تبیین نموده است.



#### مدل ۱ مدل مفهومی تحقیق (ضریب مسیر و بار عاملی میان ارزهای دیجیتال و صادرات غیرنفتی و

#### تحریم‌های بین‌المللی و ارزهای دیجیتال و تحریم‌های بین‌المللی و ارزهای دیجیتال و صادرات غیرنفتی)

با توجه به خروجی مدل ۱ (مدل مفهومی تحقیق) و خروجی پرسشنامه‌ها می‌توان دریافت که:

- واریانس متغیر پنهان ارزهای دیجیتال و صادرات غیرنفتی (صنایع نساجی) بیشترین توان را در تبیین متغیر مشاهده‌پذیر "ارزهای دیجیتال توجه بسیاری از سرمایه‌گذاران و فعالان در صادرات محصولات نساجی را جلب نموده است" به میزان ۰,۷۱۹ و کمترین توان را در تبیین متغیر مشاهده‌پذیر "ارزهای دیجیتال با ایجاد مشاغل و تجارت مدرن بر ترغیب شرکت‌ها در صادرات محصولات نساجی موثر است" به میزان ۰,۴۳۷، در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارد.

- واریانس متغیر پنهان ارزهای دیجیتال و تحریم‌های بین‌المللی بیشترین توان را در تبیین متغیر مشاهده‌پذیر "غیرمتمركز بودن ارزهای دیجیتال نقش مهمی در کاهش تأثیر تحریم‌های بین‌المللی بازی می‌کند" به میزان

۰,۸۱۹ و کمترین توان را در تبیین متغیر مشاهده پذیر "با توجه مقاوم بودن ارزشهای دیجیتال در برابر تورم، این ارزشها بر کاهش تحریمهای بینالمللی تأثیر دارند" به میزان ۰,۶۱۲ در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارد.

- واریانس متغیر پنهان صادرات غیرنفتی (صنایع نساجی) بیشترین توان را در تبیین متغیر مشاهده پذیر "رویکردهای سیاسی و اقتصادی دولت‌ها بر عملکرد شرکت‌ها و صادرات محصولات نساجی موثر است" به میزان ۰,۶۸۵ و کمترین توان را در تبیین متغیر مشاهده پذیر "محرك‌ها و مشوق‌های صادراتی از سوی دولت می‌تواند در افزایش صادرات محصولات نساجی موثر باشد" به میزان ۰,۴۸۵ در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارد.

- واریانس متغیر تحریمهای بینالمللی بیشترین توان را در تبیین متغیر مشاهده پذیر "هزینه‌های تحریمهای اقتصادی (درصدی از تولید ناخالص داخلی)، زیان صنایع نساجی را افزایش می‌دهد" به میزان ۰,۷۳۷ و کمترین توان را در تبیین متغیر مشاهده پذیر "تحریمهای بینالمللی موجب از دست رفتن بازار فروش و افزایش ریسک در صنایع نساجی می‌شود" به میزان ۰,۴۷۸ در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارد.

##### ۵. نتیجه‌گیری

همانگونه که در این تحقیق بیان شد ارزشهای دیجیتال غیرمتمرکز بوده و هیچ مرجع مرکزی مسئول ارزش آن نیست و با کشور خاصی ارتباط ندارد. این ویژگی منحصر بفرد برای هر نظریه پرداز یا عملی که به دنبال بررسی رفتار قیمت این نوع رمزارزها بوده و در حال حاضر واحد پول رمزنگاری توجه بسیاری از سرمایه‌گذاران، کارآفرینان، قانونگذاران و عموم مردم را جلب نموده است. همچنین بیان شد که برنامه‌ریزی جهت تولید و صادرات کالاهای جدید، متنوع، با ارزش افزوده بالا و نیز ابداع شیوه‌های نوین برای تولید کالاهای سنتی می‌تواند به کسب مزیت نسبی کشورهای صادرکننده نفت در بازارهای جهانی کمک نماید و توسعه صادرات غیرنفتی به منزله استراتژی رشد اقتصاد کشور، وظیفه شایان توجهی دارد. از سوی دیگر تحریمهای بینالمللی به عنوان ابزاری در جهت اعمال فشار بر کشورها از سوی جامعه جهانی مطرح می‌شود که این فشارها با هدف تغییر و تعدیل سیاست و منش کشورهای هدف صورت گرفته و با توجه به ریسک‌های موجود در مبادلات تجاری، موانع موجود در تجارت و تحریمهای تجاری که در حال حاضر مانع از عملکرد مناسب شرکت‌ها و بهبود مبادلات تجاری می‌شوند، بکارگیری اقداماتی برای مدیریت ناطمینانی ضرورت می‌یابد. در این راستا یکی از شیوه‌های در حال توسعه ایران برای جلوگیری از تحریمها، ایجاد ارز دیجیتالی بومی است؛ از آنجا که این ارزشهای دیجیتال تحت کنترل آمریکا قرار ندارد، کشور ایران می‌تواند پول دریافت و پرداخت کند و بر محدودیت‌های اعمال شده روی بانک‌های سنتی خود غلبه کند. تنوع بخشیدن به دریافت‌های ارزی (ارزشهای دیجیتال و...) و بهبود صادرات غیرنفتی اهمیت خاصی در اقتصاد ایران دارد که توان و اقتدار اقتصادی را افزایش می‌دهد.

در این تحقیق سه فرضیه مطرح شد، که معناداری تمام آن به اثبات رسید. در فرضیه اول با توجه به معنادار بودن ارتباط، این احتمال وجود دارد که نوآوری در عرصه پرداخت‌ها و تبادلات مالی و توسعه صادرات، قابلیت سرمایه‌گذاری با ریسک متوسط ارزشهای دیجیتال به عنوان ارزشهای آینده، توجه سرمایه‌گذاران و فعالان در صادرات محصولات نساجی، اثرگذاری رمزارزها در تنظیم و تعدیل تراز تجاری کشور، تأثیرگذاری این نوع ارزشها در تعیین قدرت رقابتی تولیدکنندگان داخلی در برابر رقبای خارجی، نقش رمزارزها در سطح عمومی قیمت‌ها و تورم و و حذف نیاز به واسطه در معاملات بینالمللی در ارزشهای دیجیتال در بهبود عملکرد صادرات، بهبود قوانین نظارتی و سیاست همراهی دولت با ارزشهای دیجیتال و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری در این نوع رمزارزها بتواند در افزایش صادرات محصولات نساجی از طریق ارزشهای دیجیتال کاربرد داشته و بتواند برای خرید و فروش، تبادلات و فرایندهای مالی مورد استفاده قرار گیرد؛ به عبارت دیگر ارزشهای دیجیتال این ظرفیت را دارد تا با کاهش ریسک‌های سرمایه‌گذاری صادرات، ایجاد مشاغل و تجارت مدرن در جهت ترغیب شرکت‌ها و کاهش حساسیت صنایع تولیدی به نرخ ارز بتواند در توسعه صادرات غیرنفتی، به ویژه صنایع نساجی، تأثیرگذار

باشند؛ که نتایج این فرضیه با مطالعات انجام شده توسط ارغوانی پیرسلامی و میراحمدی (۱۳۹۸)، مسلمی (۱۳۹۷)، فرقان دوست حقیقی و نداف (۱۳۹۷)، برونرمایر و همکاران (۲۰۲۱)، خیریازیس (۲۰۲۱)، اریترز و بویلی (۲۰۱۹)، گیودچی و همکاران (۲۰۲۰) و نابولسی و نبرت (۲۰۱۸) همخوانی دارد.

در فرضیه دوم با توجه به معنادار بودن ارتباط، این احتمال وجود دارد که غیرمتمرکز بودن ارزشهای دیجیتال، جبران کاهش ارزش پول و نوسان نرخ ارز توسط رمزارزها، بومی نمودن ارزشهای دیجیتال، سیاست همراهی دولت با این نوع ارزشها، مقاوم بودن ارزشهای دیجیتال در برابر تورم، جایگزین شدن در معاملات سنتی، کاهش زیان صنایع نساجی بر اثر هزینههای تحمیلی تحریمهای بینالمللی و توسعه بازار فروش و کاهش ریسک در صنایع نساجی بتواند با توجه به ویژگیهای ذاتی خود در جهت دور زدن تحریمهای بینالمللی (تحریمهای اقتصادی، مالی و بانکی، تجاری و دانش و فناوری) کاربرد داشته باشد؛ در این میان رفع چالشهای فقهی و مشکلات امنیتی ارزشهای دیجیتال و تصویب قوانین حمایت از ارزشهای دیجیتال توسط دولت خواهد توانست به فرایند توسعه ارزشهای دیجیتال و به دنبال اثرگذاری این نوع رمزارزها بر اقتصاد ایران از طریق کاهش اثرات تحریمهای بینالمللی کمک شایانی نماید؛ که نتایج این فرضیه با مطالعات انجام شده توسط بابازاده و همکاران (۱۴۰۰)، محمدی سمچولی (۱۳۹۸)، خیریازیس (۲۰۲۱)، رسولی قهرودی و چونگ (۲۰۲۰) و ماندجه (۲۰۱۵) همخوانی دارد.

و در نهایت در فرضیه سوم با توجه به معنادار بودن ارتباط، این احتمال وجود دارد که توسعه صادرات غیرنفتی با حرکت به سمت توسعه متوازن و پایدار، تأثیر بر رشد تولید ناخالص داخلی و اشتغالزایی، کمک به تأمین منابع ارزی برای واردات، افزایش تابآوری اقتصاد کشور و... خواهد توانست بر شکوفایی اقتصاد کشور نقش موثری داشته باشد، لیک در این میان تحریمهای بینالمللی با افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و کاهش صادرات غیرنفتی، عدم بهره‌برداری از ظرفیت کامل صنایع تولیدی، چالش فراوان در بازگشت سرمایه مالی و بانکی، کاهش بهره‌وری و میزان تولید صنایع، اثرگذاری بر روابط تجاری شرکتها و افزایش هزینه تولید و صادرات و... بر روند صادرات غیرنفتی، به ویژه صنایع نساجی، تأثیر منفی داشته باشد. از سوی دیگر استفاده از ارزشهای دیجیتال می‌تواند بستر مناسبی برای عبور از تحریمهای مالی و بانکی بوده و تنوع‌پذیری صادرات محصولات و نیز تغییر سیاست تجاری دولت‌ها از طریق شناسایی اثرات تحریمهای بینالمللی بر صادرات صنایع نساجی با همراهی سیاست حمایت از ارزشهای دیجیتال بتواند اثرات تحریمهای بینالمللی را کاهش و رشد صادرات محصولات صنایع نساجی را افزایش دهد. لذا هر چند به نظر نمی‌رسد تاکنون تحقیقی پیرامون نقش تعدیلگری تحریمهای بینالمللی در رابطه ارزشهای دیجیتال و صادرات غیرنفتی (صنایع نساجی) انجام شده باشد، لیک به طور نسبی نتایج این فرضیه با مطالعات انجام شده توسط بابازاده و همکاران (۱۴۰۰)، محمدی (۱۳۹۸)، فرقان دوست حقیقی و نداف (۱۳۹۷)، حسنوند و نادمی (۱۳۹۷)، رسولی قهرودی و چونگ (۲۰۲۰) و اریترز و بویلی (۲۰۱۹) همخوانی دارد.

## ۶. مراجع

### منابع فارسی:

- ۱) ارغوانی پیرسلامی، فریبرز و میراحمدی، سعید. (۱۳۹۸). جهانی شدن ارزشهای مجازی و حکمرانی اقتصادی دولت. مجله سیاست و روابط بین‌الملل، ۳(۶)، ۲۹-۶۸.
- ۲) بابازاده، یوسف؛ فقهی فرهمند، ناصر؛ پاسبانی، محمد و علوی متین، یعقوب. (۱۴۰۰). مدل مفهومی شاخص‌های تسهیل‌کننده استفاده از رمزارزها در مبادلات بین‌المللی در شرایط تحریم. فصلنامه مدیریت کسب و کارهای بین‌المللی، ۴(۱)، ۱۶۷-۱۸۸.

- ۳) جعفری هرندی، کبری. (۱۳۹۷). آسیب‌شناسی تحریم‌های اقتصادی سازمان ملل متحد از منظر حقوق بشر. مجله پژوهش ملل، ۳(۳۱)، ۹۴-۱۰۷.
- ۴) حسن‌نژاد، امیرحسین و ملکی، محمدحسن. (۱۳۹۴). شناسایی سناریوهای باورپذیر صنعت نساجی. فصلنامه آینده‌پژوهی مدیریت، ۲۶(۱۰۴)، ۵۳-۹۶.
- ۵) حسونند، علی اکبر و نادمی، یونس. (۱۳۹۷). تأثیر تحریم‌ها بر صادرات غیرنفتی ایران. فصلنامه سیاست‌های کلان و راهبردی، دوره ۶، شماره ۴، ۶۶۶-۶۸۴.
- ۶) خوش‌طینت، بهناز؛ شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ شهی‌دزفولیان، پریسا و مرادی، علی. (۱۳۹۹). تأثیر شاخص‌های توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات بر سهم بازار کشورهای عضو اوپک از صادرات غیرنفتی جهان. فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ۲۴(۹۶)، ۱۱۹-۱۴۶.
- ۷) دولت‌شاهی، نرگس. (۱۳۹۶). ارزش‌های دیجیتال، ابزاری نوین در نظام پرداخت‌های الکترونیکی و اقدامات کشور در زمینه ارزش‌های دیجیتال، پایان‌نامه کارشناسی. همدان: دانشگاه علمی-کاربردی.
- ۸) شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ ترکشوند، اسحاق و ثمری، هانیه. (۱۳۹۶). وفور منابع طبیعی و صادرات غیرنفتی: رهیافت GMM. فصلنامه مطالعات و سیاست‌های اقتصادی، ۱۳(۱)، ۵۵-۸۰.
- ۹) شکوهی، مهدی و مروتی، علی. (۱۳۹۳). صنعت نساجی ایران از گذشته تا به امروز؛ چالش‌ها و راهکارها. دومین کنفرانس ملی پویایی مدیریت، توسعه اقتصادی و مدیریت مالی. شیراز: شرکت پندار اندیش رهپو.
- ۱۰) علیقلی، منصوره و برادران، عطاءاله. (۱۳۹۸). الگوپذیری صادرات غیرنفتی کشور از نوسانات نرخ ارز. نشریه علمی کاوش‌های مدیریت بازرگانی، ۱۱(۲۱)، ۹۱-۱۱۳.
- ۱۱) غضنفری، الهام و کیان‌فر، مجتبی. (۱۳۹۶). مروری بر پول دیجیتال و جایگاه آن در تجارت. چهارمین کنفرانس ملی فناوری اطلاعات، کامپیوتر و مخابرات. مشهد: دانشگاه تربیت‌حیدریه.
- ۱۲) فدایی، مهدی و درخشان، مرتضی. (۱۳۹۴). تحلیل اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت تحریم‌های اقتصادی بر رشد اقتصادی در ایران. فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۵(۸)، ۱۱۳-۱۳۲.
- ۱۳) فرقان‌دوست حقیقی، کامبیز و نداف، رضوانه. (۱۳۹۷). مروری بر رمز ارزها، فرصت‌ها و تهدیدها. رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۹(۳)، ۶۱-۷۴.
- ۱۴) گرشاسبی، علیرضا و یوسفی دیندارلو، مجتبی. (۱۳۹۵). بررسی اثرات تحریم بین‌المللی بر متغیرهای کلان اقتصادی ایران. فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، ۲۵، ۱۲۹-۱۸۲.
- ۱۵) محمدی سمچولی، علی‌اکبر. (۱۳۹۸). بررسی استخراج بیت‌کوین و ارایه راهکاری برای معضل تحریم‌های ارزی. کنفرانس بین‌المللی اقتصاد جهانی و تحریم‌ها. تهران: مرکز مطالعات و همکاری‌های علمی بین‌المللی وزارت علوم تحقیقات و فناوری.
- ۱۶) محمودی، اصغر. (۱۳۹۸). تحلیل ارزش‌های مجازی در پرتو فقه، حقوق و مطالعات تطبیقی. فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، ۴۹(۳)، ۵۰۳-۵۲۲.
- ۱۷) مختاری، مهدیه؛ عباسیان، عزت‌اله؛ حسنقلی‌پور، طهمورث و محمودی، وحید. (۱۳۹۹). مدل شبکه‌ای ریسک در بخش صادرات غیرنفتی ایران. فصلنامه مدیریت بازرگانی، ۱۲(۳)، ۷۰۲-۷۲۶.
- ۱۸) مرجان، باقری سعید. (۱۳۹۶). ارز دیجیتال، فرصت‌ها و تهدیدهای بالقوه. ششمین کنفرانس ملی حسابداری، مدیریت مالی و سرمایه‌گذاری. گرگان: انجمن علمی و حرفه‌ای مدیران و حسابداران گلستان.





- ۱۹) مسلمی، محمدحسین. (۱۳۹۷). نقش ارزهای دیجیتال در اقتصاد و معاملات بازرگانی. اولین همایش ملی مدیریت با تاکید بر حمایت از کالا و خدمات ایرانی. آباءه: دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۲۰) میراب آستانه، پیمان؛ ربیع، مسعود؛ مشایخی، علینقی و زندیه، مصطفی. (۱۳۹۸). واکاوی افول تولید صنعتی پوشاک کشور با رویکرد سیستمی. فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۲۷(۱۹)، ۳۳۱-۳۷۲.

منابع انگلیسی:

- ۲۱) Aghdaie, S. F. A., & Seidi, M. (۲۰۱۲). Iran accession to WTO and its effects on textile industries. *International Journal of Business and Social Science*, 3(6), ۱۶۳-۱۷۰.
- ۲۲) Amankwah-Amoah, J. (۲۰۱۵). Explaining declining industries in developing countries: The case of textiles and apparel in Ghana. *Competition & Change*, 19(1), ۱۹-۳۵.
- ۲۳) Atkar, A., Pabba, M., Sekhar, S. C., & Sridhar, S. (۲۰۲۱). Current limitations and challenges in the global textile sector. In M. & Ibrahim, *Fundamentals of Natural Fibres and Textiles* (pp. ۷۴۱-۷۶۴). Sawston: Woodhead Publishing.
- ۲۴) Best, J. (۲۰۱۸). *Blockchain and Cryptocurrency. In Breaking Digital Gridlock, Website: Improving Your Bank's Digital Future by Making Technology Changes Now*. New York: John Wiley & Sons.
- ۲۵) Boon, K. (۲۰۱۵). *Economic sanctions: hot topics In American Society of International Law*. Cambridge: Cambridge University Press.
- ۲۶) Brunnermeier, M. K, James, H., & Landau, J. P. (۲۰۲۱). *The digitalization of money*. Basel: Bank for International Settlements.
- ۲۷) Butuzov, D. (۲۰۱۶). *Impact of the EU and US sanctions on the foreign exchange rate of Russia (Doctoral dissertation)*. Lisboa: Universidade de Lisboa.
- ۲۸) Ertz, M., & Boily, É. (۲۰۱۹). The rise of the digital economy: Thoughts on blockchain technology and cryptocurrencies for the collaborative economy. *International Journal of Innovation Studies*, 3(4), ۸۴-۹۳.
- ۲۹) Ertz, M., Hallegatte, D., & Bousquet, J. (۲۰۲۰). *Les reconfigurations de l'échange marchand: Tour d'horizon, enjeux et perspectives*. Canada: Les Presses de.
- ۳۰) Finley K. (۲۰۱۸, October ۲۱). *wired Business*. Retrieved from <https://www.wired.com>
- ۳۱) Ghahroudi, M. R., & Chong, L. C. (۲۰۲۰). The macroeconomic determinants and the impact of sanctions on FDI in Iran. *Economics and Business*, 34(1), ۱۵-۳۴.
- ۳۲) Ghasemi, B. (۲۰۲۰). Foreign investment opportunities in Iran's textile industry. *Kohan Textile Journal*, 12(1), ۱-۸.
- ۳۳) Ghodsi, M., Astrov V., Grieveson, R. & Stehrer R. (۲۰۱۸). *The Iranian Economy: Challenges and Opportunities*. Sweden: Institute for International Economic Studies.
- ۳۴) Giudici, G., Milne, A., & Vinogradov, D. (۲۰۲۰). Cryptocurrencies: market analysis and perspectives. *Journal of Industrial and Business Economics*, 47(1), ۱-۱۸.
- ۳۵) Hassanpour, M. (۲۰۱۹). Evaluation of Iranian textile and leather industries. *Journal of applied research on industrial engineering*, 6(1), ۳۳-۵۱.
- ۳۶) Hazlett, P. K., & Luther, W. J. (۲۰۲۰). Is bitcoin money? And what that means. *The Quarterly Review of Economics and Finance*, 77(5), ۱۴۴-۱۴۹.
- ۳۷) Karami, M., Olfati, O., & Dubinsky, A. J. (۲۰۱۷). Key cultural values underlying consumers' buying behaviour: a study in an Iranian context. *Journal of Islamic Marketing*, 8(2), ۲۸۹-۳۰۸.
- ۳۸) Kyriazis, N. A. (۲۰۲۱). The nexus of sophisticated digital assets with economic policy uncertainty: A survey of empirical findings and an empirical investigation. *Sustainability*, 13(10), ۵۳-۸۳.
- ۳۹) Lamotte, O. (۲۰۱۲). Disentangling the impact of wars and sanctions on international trade: evidence from former Yugoslavia. *Comparative Economic Studies*, 54(3), ۵۵۳-۵۷۹.
- ۴۰) Lopez, G., & Robertson, R. (۲۰۱۶). *Apparel in South Asia, Policies to Boost Competitiveness and Create the Next Export Powerhouse*. Washington: The World Bank Group.
- ۴۱) Mandjee, T. (۲۰۱۵). Bitcoin, its Legal Classification and its Regulatory Framework. *Journal of Business & Securities Law*, Vol 15, Issue 2, ۱۵۸-۲۱۸.
- ۴۲) Naboulsi, M. & Neubert, N. (۲۰۱۸). Impact of digital currencies on economic development in Kenya. *ACBSP Region 8 Annual Conference Paris*. Paris: The International Council of Business Schools and Programs.



- ۴۳) Nguyen, N. H., Beeton, R. J., & Halog, A. (۲۰۱۵). A systems thinking approach for enhancing adaptive capacity in small-and medium-sized enterprises: causal mapping of factors influencing environmental adaptation in Vietnam's textile and garment industry . *Environment Systems and Decisions*, 35(4), ۴۹۰-۵۰۳.
- ۴۴) Shovkhalov, S., & Idrisov, H. (۲۰۲۱). Economic and legal analysis of cryptocurrency: scientific views from Russia and the Muslim world. *Laws*, 10(2), ۳۲-۴۷.
- ۴۵) Smith, A. (۲۰۱۵). The state, institutional frameworks and the dynamics of capital in global production networks. *Progress in Human Geography*, 39(3), ۲۹۰-۳۱۵.
- ۴۶) Stoian, M. C., Rialp, A., & Rialp, J. (۲۰۱۱). Export performance under the microscope: A glance through Spanish lenses. *International Business Review*, 20(2), ۱۱۷-۱۳۵.
- ۴۷) Swan, M. (۲۰۱۸). Blockchain for business: Next-generation enterprise artificial intelligence systems. *In Advances in computers*, 111(2), ۱۲۱-۱۶۲.
- ۴۸) Wright M. (۲۰۱۸). *As Iran turns to Bitcoin and its own cryptocurrency to avoid sanctions, maybe it's time to build another Stuxnet*. Canada: Global Lenses .